

در مورد وقایع بعد از «انتخابات اندرونی» رژیم جمهوری اسلامی ایران و راه حلها

از آنجائی که قصد نوشتن مطلب کوتاه در مورد وقایع چند روز اخیر بعد از «انتخابات اندرونی» رژیم حاکم در ایران را دارم ناچاراً فقط بسیار مختصر و فشرده مسائل را مطرح میکنم، زیرا در این شرایط فرصت مطالعه مطلب طولانی برای خوانندگانی که درگیر مبارزه عملی هستند ممکن نیست. مطلب اصلی اختصاص دارد به سخنرانی خامنه ای، یعنی «ولی فقه» یا رهبر تشکل «اسلامی» ای تحت عنوان «حزب الله» که در ایران بزور حاکم هستند و ادعای صاحب بودن کشور را دارند و هر کسی هر چه علیه سیاستهای جنایتکارانه آنان بگوید گوئی بر ملکیت «مقدس» آنان تجاوز میکند، «غیر قانونی» عمل می کند یا وابسته به «دشمنان اسلام و ایران» یا جزو «صهیونیستها، امریکا، انگلیس» هستند، یعنی بنا به ادعای خامنه ای که در روز جمعه گذشته در دانشگاه تهران ضمن اینکه برای فریب توده مردم در مقابل «خانه الله» یعنی بت زانو زده بود مطرح کرد که: «ما اندرونی و بیرونی نداریم» بیکباره افراد مخالف سیاستهای جنایتکارانه او و دار و دسته حاکم او، «بیرونی»، «جاسوس»، «تروریست» و «صهیونیستی، امریکائی، انگلیسی» میشوند! و بنابراین طبق دستورات او که در روز جمعه مطرح کرد یعنی در صورت ادامه مخالفت و یا اعتراضات باید توسط باند سیاه او بقتل برسند. البته ناگفته نماند که این متد متدی است که رژیم سلطنتی نیز برای سرکوبی مردم معترض، فعالین سیاسی، کارگران و زحمتکشانشان بکار میگرفت، یعنی به مخالفین لقب «جاسوسان شوروی» سابق و یا روسیه میدادند.

با وجودی که رژیم حاکم دستگیری، کشتار، سانسور، قطع وسائل ارتباط جمعی، نظامی کردن کل کشور و خفقان شدیدی را که در باصطلاح «سالمترین نظامهای سیاسی – اجتماعی دنیا» حاکم کرد نتوانست جلوی درج اخبار جنایتکارانه خود را بگیرد. اعتراضات و راهپیمایهای چند میلیونی مردم در شهرهای بزرگ ایران در هفته اول بعد از «انتخابات اندرونی» رژیم حاکم آنچنان فشاری بر حاکمینی که ادعا کرده بودند «۴۰ میلیون» چشم و گوش بسته فردی از منتخین رژیم حاکم را بعنوان مسئول یا «رئیس جمهور» آتی کشور «انتخاب» کردند وارد کرده است که ناگهان «ولی فقه» «معصوم» «حزب الله» یا رژیم حاکم قلدری و سرکوبی معترضین را علناً برخ مردم کشید.

به هر رو، مطلب را از سخنان خامنه ای آغاز میکنم که او اینبار علناً در انظار مردم فرمان قتل عام مردم معترضی که علیه سیاستهای باند سیاه او هستند را صادر کرده است.

خامنه ای بعنوان «ولی فقه» «حزب الله» در دانشگاه تهران گفت:

«حضور بی نظیر و حماسی ملت در ۲۲ خرداد، نمایش عظیم اعتماد و امید و شادابی ملی، زلزله ای سیاسی برای دشمنان و جشن تاریخی برای دوستان ایران و انقلاب بود و همه ۴۰ میلیون شرکت کننده پرشور و فهیم انتخابات، به امام و انقلاب و شهدا رأی داده اند و هر ۴ نامزد محترم نیز متعلق به نظام اسلامی هستند بنابراین همه باید در چارچوب قوانین روشن موجود مسائل را پیگیری کنند.»

«یکی از نامزدها، رئیس جمهور خدوم، پرکار، زحمتکش، و مورد اعتماد است، یکی دیگر ۸ سال نخست وزیر خود بنده بوده است، نامزد دیگر فرمانده سپاه و از فرماندهان اصلی دفاع مقدس است و نامزد دیگر هم دو دوره ریاست مجلس بوده است بنابراین همه این آقایان از عناصر نظام و متعلق به نظام هستند و رقابت آنها برخلاف تبلیغات خیانت آمیز رسانهای صهیونیستی، امریکائی و انگلیسی، رقابت درون نظام است.»

«این اختلاف دیدگاه، اختلاف نظر در درون چارچوب نظام است البته بنده برخی را برای خدمت به کشور مناسبتر می دانم.»

طبق گفته های خامنه ای، او تشخیص داد که در این دوره «انتخابات» کدام یک از کاندیدها غداره بندتر از دیگری است و بنابراین برخلاف آراء مردم، او را انتخاب کرد. به عبارت دیگر «انتخابات»ی که انجام گرفت حال نتیجه آن هرچه بوده باشد برای خامنه ای بعنوان «رهبر» یک تشکیلات «اسلامی» پیشیزی هم ارزش ندارد، زیرا او «برخی را برای خدمت به کشور مناسبتر» می داند، یعنی برای استثمار، دزدی، غارتگری و جنایتکاری «مناسبتر» میدانند. این واقعیت را فرد منتخب او بدستور او در عرض چند روز بعد از «انتخابات اندرونی» در خیابانها، منازل، دانشگاه ها، بیمارستانها و زندانها نشان داد. ضربالمثلی میگوید: «آن کس که حسابش پاک است از محاسبه چه باک است»، یعنی اگر خامنه ای و دار و دسته او بجای این همه دستگیری، زندانی کردن و کشتار مردم معترض که در عرض این چند روز پس از «انتخابات اندرونی» او و باند سیاه حاکم او که طبق «قوانین اسلامی» انجام دادند، برای اثبات حقانیت خامنه ای و دارو دسته او «انتخابات اندرونی» مجدد را برگزار میکردند. ولی او و باند سیاه او میدانند که واقعیت «انتخابات اندرونی» انجام شده برعکس آنچه زیست که آنان بعد از «انتخابات اندرونی» مطرح کردند و او نیز به همین دلیل در روز جمعه مخالف برگزاری مجدد «انتخابات اندرونی» نیز بود، یعنی

اگر انتخابات دیگری صورت بگیرد و کنترل ناظرین بر آن باشد دست این شارلاتانها که بر سرمایه کشور نشستند و حاضر به رها کردن آن نیستند رو خواهد شد. از اینرو ترجیح دادند که به جای باجاء گذاشتن «انتخابات اندرونی» مجدد، او قلدرمنشی و شیوه های جنایتکارانه خودشان را علنی برای باند سیاه خود و مردم مطرح کند.

در صحبت‌های خامنه ای مشاهده میکنید که چقدر ضدو نقیض گوئی، دروغگوئی و پرروئی خامنه ای نهفته است. او مدعی شد «۴۰ میلیون» «به امام و انقلاب و شهدا رأی داده اند». آیا او هیچ سندی توانست ارائه دهد که ثابت کننده این باشد که «۴۰ میلیون» در «انتخابات اندرونی» رژیم شرکت کردند چه برسد به اینکه مردم «به امام و انقلاب و شهدا رأی» داده باشند؟ این کاملاً یک دروغ آشکار خامنه ایست. بقول معروف مردم به «دم خروس باور کنند یا قسم حضرت عباس را»؟ بعبارت دیگر آیا مردم باید به اعتراضات و تظاهراتهای چند میلیونی در خیابانها، بعد از «انتخابات اندرونی» «حزب الله» را باور کنند یا دروغ پردازیهای خامنه ای را؟ آیا هیچ گروه ای برای نظارت در «انتخابات اندرونی» رژیم وجود داشت که بتواند بر آنچه که خامنه ای در مورد «انتخابات اندرونی» مطرح کرد مهر تأیید بزند؟ نه. گذشته از این باز هم پائین تر طبق سخنان قلدرمنشانه او مشخص خواهد شد که حرفهای او در مورد شرکت وسیع مردم در «انتخابات» و بخصوص رأی دادن به «امام» یعنی رژیم حاکم یا باند سیاه حاکم دروغی بیش نیست. ناگفته نماند که مردم برای «انتخاب» «رئیس جمهور» رأی دادند نه «به امام و انقلاب و شهدا». همچنین او گفت: «هر ۴ نامزد محترم نیز متعلق به نظام اسلامی هستند». اینکه هر ۴ نفر کاندیدا مانند خامنه ای عضو تشکیلاتی تحت عنوان «حزب الله» هستند کاملاً صحیح است و به همین دلیل است که ما اعلام کردیم که در ایران هنوز انتخابات دموکراتیک عمومی برگزار نشده است، زیرا تاکنون فقط یک تشکل سیاسی در انتخابات عمومی دوره ای شرکت کرد منتها برای فریب مردم رهبران این تشکل سیاسی چند نفر از اعضای خود را بعنوان کاندیداهای «ریاست جمهوری» کشور معرفی کرده و باصطلاح رأی گیری عمومی کردند. آیا غیر از این است؟ همچنین او گفت: «این اختلاف دیدگاه، اختلاف نظر در درون چارچوب نظام است» «بنابراین همه باید در چارچوب قوانین روشن موجود مسائل را پیگیری کنند.» اینکه این چند نفر چگونه بخواهند اختلافات درون تشکیلاتی را حل کنند به خود آنان، خامنه ای، اعضای تشکیلات او مربوط است. اما مسئله مردم ایران چیز دیگری است که در عرض این چند روز بعد از «انتخابات» مشاهده کردید و از ترس همچون سابق دست به دستگیری و کشتار تظاهر کنندگان بی سلاح و تمامی فعالین سیاسی زدید، یعنی همانند دوره های گذشته که در عرض ۳۰ سال

گذشته عمل کردید دست زدید و هر روز شدت آن را بیشتر هم کردید. در ضمن، البته تاکنون تنها این ۴ کاندیداها بلکه تمام اعضای «حزب الله» همراه با خامنه ای در اعمال جنایتکارانه ای که او بعد از فوت خمینی رهبری «حزب الله» را در دست گرفت مرتکب شد شریک هستند، ولی قرار نیست که اعضای «حزب الله» مادام‌العمر در اعمال جنایتکارانه رژیم یعنی با دار و دسته جنایتکار خامنه ای همکاری کنند.

خامنه ای در ادامه سخنان خود ضمن ادعاهای پوچ گفت:

«مردم با دیدن مناظره و دیگر برنامه های تبلیغاتی، قدرت قضاوت بدست آوردند و احساس کردند که نظام اسلامی، اندرونی و بیرونی ندارد و مردم را بیگانه نمی داند!!!» واقعاً باید گفت که یک شیاد از دنیا بی خبر می تواند چنین مزخرفاتی را برای مردم مطرح کند. او از انتخابات حرف می زند، گوئی نمی داند که معنی انتخابات چیست. او از سیاست حرف میزند گوئی نمی داند سیاست چیست. او از «ریاست جمهوری» حرف می زند گوئی نمی داند معنی رئیس جمهور چیست. انتخابات ریاست جمهوری به معنی فقط «انتخاب نظام اسلامی» نیست بلکه به معنی انتخاب نظامهای دیگر هم هست. اینکه در ایران فقط باند سیاه شما تحت عنوان «حزب الله» در «انتخابات» عمومی شرکت میکند البته فقط انتخاب «حزب الله» است، حال فرقی نمی کند که کدام یک از کاندیداهای شما «انتخاب» شوند. البته شما ترجیح میدهی شخصی را انتخاب کنی که با نظر شما «نزدیک تر» باشد، این کاملاً درست است. اما انتخابات دموکراتیک یعنی شرکت احزاب و سازمانهای سیاسی مختلف در انتخابات عمومی که این در ایران وجود ندارد. آیا شما این مسئله بسیار ساده را نمی فهمید یا خودتان را به نادانی زدید؟

اینکه مدعی هستید «نظام اسلامی، اندرونی و بیرونی ندارد و مردم را بیگانه نمی داند»، آیا منظور شما کشتار و جنایاتی است که چه علنی و چه پنهان یعنی در زندانها در عرض این ۳۰ سال انجام دادید و بطور مشخص در عرض این چندین روز بعد از «انتخابات اندرونی» انجام دادید است؟ واقعاً اگر این اعمال جنایتکارانه شما با «اندرون» خودتان است، پس با «بیرون» خودتان چگونه رفتار میکنید؟

خامنه ای در ادامه سخنانش گفت:

«متأسفانه برخی مواقع مناظره ها حالت تخریبی پیدا میکرد و به سیاه نمائی افراطی خدمات دولت فعلی و در مقابل، سیاه نمائی عملکرد دولتهای قبلی کشیده می شد و در میان طرفداران

نامزدها التهاب و نگرانی ایجاد می کرد.»

در مناظره های («اندرونی») از رهبر سؤال نمی کنند که چه نکاتی مطرح شود و یا اینکه باب دل همه مسائل مختلف مطرح گردد و همه راضی شوند بلکه مسائل مطرح می گردد حال یکی مثل تو خشم آلود میگردد، چونکه واقعیات گذشته شما در «این مناظره ها» حال به هر دلیلی مطرح شدند و یکی هم خوشحال میشود، یعنی قرار نیست که اگر مسائلی در «مناظره ها» مطرح میگردد و یا کاری انجام میشود همه را خوشحال کند، در غیر اینصورت همه چیز همانند و «برابر» است و وقتی چنین باشد دیگر جای بحث کردن، مناظره و غیره وجود نخواهد داشت. این مسئله مثل این را می ماند که چند نفر ریاضی دان در کنار هم بنشینند و بخواهند به همدیگر ریاضیات یاد بدهند یا در مورد ریاضیات «مناظره» کنند. آیا اگر کسانی چنین عمل کنند عملشان احمقانه نیست؟ آیا منظور تو از «متأسفانه برخی مواقع مناظره ها حالت تخریبی پیدا میکند» این است که کاندیداهای تو و دار و دسته تو مثل خودت دروغگوی حرفه ای نیستند؟ به هر صورت اتفاقی بود که افتاد و اعمال غارتگرانه و جنایتکارانه خودتان را اعضای خودتان افشاء کردند، حال چگونه چنین شد مورد بحث من نیست بلکه هدفم نشان دادن از جمله اعمال غارتگرانه و جنایتکارانه شماست.

حال کمی هم در مورد «خدمات دولت فعلی» اشاره ای داشته باشیم. آیا منظور تو کشتاریست که در عرض ۴ سال «دولت فعلی» انجام گرفته است میباشد؟ آیا منظور تو دستگیری مردم معترض اعم از فعالین و معترضین کارگری و دانشجویی اعم از زنان و مردان است؟ آیا منظور تو نپرداختن حقوق کارگران و زحمتکشانشان چند ماه چند ماه است؟ آیا منظور تو مفقود شدن ده ها و صدها میلیارد دلار ایست که در همین ۴ سال «دولت فعلی» صورت گرفته است میباشد؟ آیا منظور شما تورم بیشتر از دویست درصدی است؟ آیا منظور تو بستن تمامی روزنامه ها، نشریات «بیرونی»، دستگیر کردن و غیره است؟ آیا منظور تو ممنوع کردن فعالیت سیاسی حتی «اندرونی» معترض است؟ آیا منظور تو از خدمات «دولت فعلی» سانسور، خفقان، دستگیری، به زندان انداختن معترضین، شکنجه و اعدام آنان است؟ وگرنه «دولت فعلی» «خدمات» دیگری برای مردم نداشت.

خامنه ای ادامه داد:

«آقای هاشمی رفسنجانی در دوران مبارزه با رژیم ستم شاهی از اصلی ترین و جدی ترین افراد نهضت و بعد از انقلاب هم از مؤثرترین شخصیت‌های همراه امام بوده و بارها تا مرز شهادت پیش

رفته است ضمن اینکه پس از رحلت امام بزرگوار هم، تا امروز در کنار رهبری بوده است.»
«اگر فساد اقتصادی در کشور نبود چند سال قبل نامه هشت ماده ای به رؤسای سه قوه ارسال نمی شد. اما بدون تردید جمهوری اسلامی از سالم ترین نظامهای سیاسی - اجتماعی دنیاست.»

در اینجا فقط کافیست که به این نکته اشاره کنم که از یک طرف خامنه ای ناشیانه در سخنان خود تمامی افراد بالا رتبه رژیم اسلامی را در حفظ «نظام اسلامی» و «فساد اقتصادی در کنار رهبری» یعنی خودش می داند و از طرف دیگر مدعی است که خود او یا «نظام اسلامی» «از سالم ترین نظامهای سیاسی - اجتماعی دنیاست.»

خامنه ای ادامه داد:

«برخی از دشمنان تلاش میکنند این پیروزی مطلق نظام را به شکست ملی تبدیل کنند و با مشکوک و قابل تردید جلوه دادن انتخابات نگذارند بالاترین نصاب مشارکت جهانی به نام این ملت ثبت شود که البته ثبت شده است و نمی توان این واقعیت را تغییر داد.»!!!
خامنه ای پیش تر گفت که «اندرونی و بیرونی» وجود ندارد، یعنی همه ایرانیان جزو دوستان هستند. ولی چگونه است که در عرض یک روز بعد از «انتخابات اندرونی» سروکله «دشمنان» میلیونی در «اندرون» پیدا میشود؟ اگر «اندرونی و بیرونی» وجود ندارد، چرا «رئیس جمهور» وقت را به خودت «نزدیکتر» میدانی؟ این پیروزی «مطلق نظام» را در کجا کشف کردی؟ آیا با تقلب در «انتخابات اندرونی» و نزد «رئیس جمهور نزدیک به خودت»؟ در رابطه با «مشکوک و قابل تردید جلوه دادن انتخابات»، قبلاً گفتیم که «آن کس که حسابش پاک است از محاسبه چه باک است»، یعنی بجای خفقان، دستگیری و کشتار مردم، مجدداً «انتخابات اندرونی» را با حضور ناظرین، با همین کاندیداها برگزار میکردید. آیا برگزاری «انتخابات اندرونی» مجدد عمل خیلی سختی است که بجای آن، این اعمال جنایتکارانه را در دستور کار خود قرار دادید؟

خامنه ای در ادامه سخنرانی قلدردمنشی، پر از تناقضگویی و دروغگویی خود گفت:
«در عین حال به شورای محترم نگهبان تأکید شده که به مستندات ارائه شده از جانب کسانی که شبهه دارند حتماً رسیدگی شود و اگر در مواردی نیاز به بازشماری صندوقها بود با حضور نمایندگان نامزدها انجام شود.»

اول خامنه ای اعلام میکند که نتیجه انتخاب غیر قابل «تغییر» است، سپس در ادامه گفت «به

شورای محترم نگهبان تأکید شده که» «اگر در مواردی نیاز به بازشماری صندوقها بود با حضور نمایندگان نامزدها انجام شود.» عجب شارلاتانی. این حقیقت دارد که میگویند: «دروغگو فراموش کار هم هست.» او در عرض چند دقیقه حرفهای قبلی خودش را فراموش کرد. اول میگوید «تغییر» غیرممکن است، دوم میگوید «به شورای محترم نگهبان تأکید شده که» «اگر در مواردی نیاز به بازشماری صندوقها بود با حضور نمایندگان نامزدها انجام شود.» یعنی هیچگونه تغییری صورت نمی گیرد، زیرا او و باند سیاه او تصمیم خود را گرفتند که چه شخصی باصطلاح «رئیس جمهور» بشود.

اینکه کنترل کنندگان شمارش آراء «انتخابات اندرونی» چه کسانی و چند نفر بودند بهیچوجه مشخص نیست، ضمن اینکه از نظر تکنیکی چگونه آراء «۴۰ میلیون» نفری که بنا به ادعای خامنه ای در سراسر کشور رأی دادند و بعد از پایان «انتخابات اندرونی» آراء جمع آوری شده و در اختیار مسئولین شمارش و کنترل قرار گرفته شده و در عرض چند ساعت آراء شمارش و کنترل شده و نتیجه «انتخابات» اعلام گشت، خود جزو عجایب است.

ما می دانیم که در ایران به آن پهناوری و از آنجائیکه «انتخابات» عمومی به روش ابتدائی انجام میگیرد، حداقل چند روز لازم است تا افراد کنترل کننده بتوانند تمامی آراء را جمع آوری کرده (که البته اگر باز قلبی در محلهای انتخابات صورت نگرفته باشد، یعنی ناظرین همه طرف در محلها حضور میداشتند) سپس کنترل کنند و نتیجه دقیق انتخابات را اعلام کنند.

حال چگونه در چنین شرایطی در عرض چند ساعت بعد از انتخابات، صندوقهای رأی سراسر کشور جمع آوری شده و در اختیار کنترل کنندگان قرار گرفت و «۴۰ میلیون» آراء نیز توسط آنان شمارش و کنترل شده و نتیجه هم اعلام گشت؟ آیا کسی حتی با بررسی همین بخش تکنیکی کار در قلب شدن «انتخابات اندرونی» شک خواهد داشت؟

خامنه ای در ادامه باز هم با قلدری گفت:

«بنده زیر بار بدعتهای غیرقانونی نمی روم چرا که در هر انتخاباتی طبعاً برخی برنده نیستند و اگر امروز چارچوبهای قانونی شکسته شود در آینده نیز هیچ انتخاباتی مورد اعتماد نخواهد بود و مصونیت نخواهد داشت.»

اول اینکه «قانون» برای همه یکسان است و این شامل حال تو هم میشود. یعنی تو برتر از دیگران و قانون حاکم جامعه نیستی که اینچنین قلدرمنشی سخنرانی کردی. در ثانی «بدعتهای

غیرقانونی»، یعنی از جمله تجمعات، تظاهرات و اعتصابات دقیقاً برای کسانی است که شاکی از دم و دستگاه حاکم هستند و این اعمال را اجراء میکنند تا آنان بفهمند که موضوع چیست. ثالثاً، حتی اگر مسئله قانون یا حقوقی هم بخواهد رعایت گردد، رأی با اکثریت است یعنی از ۴ کاندیداها ۳ نفر نارضایتی خود را از «انتخابات اندرونی» رژیم حاکم اعلام کردند و رأی اکثریت ارجحیت دارد نه اراجیفگوئی توی نادان یا اقلیتی که همه بعنوان اعضاء جامعه هم محسوب میگردند و هر کدام دارای یک حق رأی هستند نه بیشتر. و نکته دیگر اینکه در اینجا یعنی در این «انتخابات» تو بعنوان یک فرد در مقابل قانون (حال این قانون هر چه باشد) بطور کل هیچکاره هستی، زیرا جزو کاندیداها نبودی. بنابراین تمام حرفهای تو نشانه تقلب و شارلاتانبازی تو بعنوان رهبر «حزب الله» است نه به اجراء گذاشتن حتی «قانون اسلامی» رژیم حاکم یا «حزب الله». ضمناً بهیچوجه برای برگزاری تظاهراتها، تجمعات، و اعتصابات از مخالفین اجازه گرفته نمیشود بلکه معترضین با اعلام آنها و زمان تعیین شده آنها برای رساندن خواستههای خود بگوش افراد حاکم آنها را برگزار میکنند و آنان نیز موظف هستند به آن مسائل مربوطه رسیدگی کنند نه اینکه به دستگیری و کشتار معترضین به بهانه «غیر قانونی» عمل میکنند مشغول شوند، زیرا فعالیت سیاسی به معنی این است که آن عده حال هر چند نفر که باشند مخالف قوانین حاکم و غیره هستند و اساساً فعالیت سیاسی آزادانه و بی قید و شرط یعنی آزادی فعالیت سیاسی «غیر قانونی».

خامنه ای پس از ارائه سخنانی برای ترساندن دوستان خود از خشم مردم با تهدید کردن گفت:
«اگر نخبگان سیاسی بخواهند قانون را زیر پا بگذارند، خواسته یا ناخواسته، مسئول خونها، خشونتها و هرج و مرجها خواهند بود.»

«ای سید و مولای ما، ما آنچه را لازم بود انجام دادیم و آنچه را باید گفت، گفتیم و خواهیم گفت. ما جان ناقابل و اندک آبروی خود را در کف دست گرفته ایم و آن را در راه انقلاب و اسلام فدا خواهیم کرد، ما این راه را با قدرت ادامه خواهیم داد و شما که صاحب حقیقی این انقلاب و کشور هستید برای ما دعا کنید.»

اینها حرفهای اصلی این شارلاتان، دزد، غارتگر و جنایتکار است که سرمایه کشور در اختیار او و دار و دسته اوست و در جامعه چند دهه بخاطر غارتگری هر چه بیشتر و سرپا ماندن مشغول کشتار مردم هستند و حتی کشتار مردم بی سلاح شاکی و معترض همین چند روز اخیر را بگردن دیگران

حال در پاسخ، زمان اعلام فراخوان عمومی دیگر اتحادیه مارکسیستها علیه جنایتکارانی مانند خامنه ای و باند سیاه حاکم او در ایران است که چند دهه به بهانه های مختلف از جمله برای «برقراری اسلام»، «امنیت» و غیره به استثمار، دزدی، غارتگری و کشتار مردم مشغول هستند
 فرا رسید:

اول اینکه مذهب یا دین «یهودی» مربوط به تقریباً ۳۰۰۰ هزار سال قبل است و تقریباً پس از گذشت ۱۰۰۰ سال فردی بنام عیسی منتخب یهوه ضمن تأکید بر اجرای قانون «یهودی» یعنی قوانین در تورات به تقریباً ۱۰۰۰ سال قبل میرسیم که قوانینی تحت عنوان قوانین «اسلامی»، یعنی قوانین در «قرآن» (نه مزخرفات آخوندهای ایران که تحت عنوان قوانین «اسلامی» بیان میکنند) مطرح شد و هیچگونه خوانایی با شرایط اقتصادی امروز کره زمین ندارد. بنابراین تمامی آن قوانین مربوط به گذشته دور، با شرایط اقتصادی همان دوران است و باید بطور کل بدون کوچکترین تزلزلی پشت سر گذاشته شوند. دوم، پس از گذشته دور به دوران گذشته نزدیک میرسیم یعنی دوران مارکس که با تغییر و تحول اقتصادی ای که صورت گرفته بود مسائل اقتصادی، حقوقی، اجتماعی و غیره از طرف یهوه به توسط مارکس و انگلس بشیوه علمی مطرح شدند و این عمل بعد از مارکس و انگلس چند بار دیگر در زمانهای مختلف تکرار شد تا زمان حال که همانطور که در بررسی تورات بشیوه کاملاً علمی نشان دادم و ثابت کردم که در این دوره یهوه مرا برای تغییر و تحول این دوره در کره زمین انتخاب کرد. و هر فردی، گروه ای، کشوری، قاره ای بخواهد غیر از آنچه که من در مورد مسائل مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و غیره تحت عنوان اتحادیه مارکسیستها مطرح کردم عمل کند شدیداً از طرف یهوه مجازات خواهد شد. اکثریت مردم امروز به اندازه مردم گذشته ناآگاه نیستند که یهوه بخواهد مسائل را بشیوه گذشته دور یعنی دوران «مذهبی» مطرح کند، بلکه به شیوه علمی مطرح میکند که با شرایط اقتصادی کنونی مطابقت دارد. همانطور که گفتم در این دوره من نیز از طرف یهوه انتخاب شدم تا مسائلی که مد نظر یهوه است را برای تغییر و تحول در کره زمین برای عموم مردم مطرح کنم. و همچنین اینکه قبلاً اعلام کردم که یهوه مخالفین یا «زنا کاران» یا خلاف کاران را، یعنی کسانی که آگاهانه بجزء آنچه که من تاکنون مطرح کردم و خواهم کرد عمل کنند را شدیداً مجازات خواهد کرد. بنابراین نتنها باید آنچه را که تاکنون اتحادیه مارکسیستها مطرح کرد باجاء گذاشته شود بلکه آنچه که در این نوشته مطرح شد نیز باید بلادرنگ باجاء گذاشته شود.

مفادی که بجز قطعنامه، برنامه و غیره اتحادیه مارکسیستها در اینجا برای باجاء گذاشتن فوری آن مطرح میگردد شامل:

۱- کشتار و دستگیری مردم در ایران بلادرنگ قطع گردد! ۲- بلادرنگ باید کلیه زندانیان سیاسی حال به هر بهانه ای دستگیر و به زندانها انداخته شدند بی قیدو شرط آزاد گردند! ۳- آزادیهای سیاسی اعم از بیان، عقیده، تشکل، تجمعات، تظاهرات، اعتصابات و غیره بلادرنگ و بی قیدو شرط باجاء گذاشته شود! ۴- کلیه نیروهای «امنیتی» و اطلاعاتی مخفی که کارشان جز کشتار مردم نیست بلادرنگ دستگیر و خلع سلاح شوند! ۵- انتخابات آزاد و دموکراتیک بی قیدو شرط با شرکت کلیه تشکل های سیاسی بعد از ۸ تا ۱۰ ماه دیگر در ایران برگزار گردد! و طبق قطعنامه اتحادیه مارکسیستها بعنوان قانون پایه ای عمل گردد.

همچنین چنانچه رژیم جمهوری اسلامی از تاریخ انتشار این مطلب تا یک هفته بعد از آن، مفاد فوق را باجاء نگذارد و به اعمال جنایتکارانه خود ادامه دهد تمامی کشورهای که خواستار برقراری نظام دموکراتیک در جوامع هستند از طرف اتحادیه مارکسیستها اجازه دارند ضمن قطع فوری روابط اقتصادی و سیاسی با رژیم جمهوری اسلامی، بدون کوچکترین تزلزلی حمله نظامی به پایگاه های نظامی رژیم بخصوص آن پایگاه هایی که دست به کشتار مردم میزنند را سازماندهی و آغاز کنند.

یک نکته دیگر را نیز باید بر آن تأکید کنم این است که تنها اساسنامه اتحادیه مارکسیستها بلکه از تقریباً یک ماه قبل تاکنون چند مطلب مختلف در مورد «انتخابات» رژیم حاکم نوشتم بخصوص آن نکاتی که مربوط به چگونگی فعالیتهای اعضاء اتحادیه مارکسیستها، کارگران، زحمتکشان و دانشجویان است معتبر هستند، یعنی اعضاء و هواداران اتحادیه مارکسیستها با خواندن این مطلب نباید روش و چگونگی فعالیتهای تشکیلاتی را فراموش کنند یا تصور کنند که رعایت و به اجراء گذاشتن آنها دیگر ضرورتی ندارند بلکه برعکس ضمن رعایت آنها بخصوص اساسنامه باید به مسائل مطرح شده جدید بدقت توجه شود.

* اتحادیه مارکسیستها

حجت برزگر

* تاریخ: ۱۳۸۸/۰۴/۰۲ (۲۳/۰۶/۲۰۰۹ میلادی)

* آدرس تماس الکترونیکی اتحادیه مارکسیستها:

melh9000@tele2.se ، melh9000@comhem.se و melh9000@yahoo.com